

تاریخ موسیقی

مجموعه تاریخ موسیقی - ۱

نشر و پژوهش شیرازه



بقراطی، نبوشا، ۱۳۵۷ -
کتاب جز: پیدایش و سبک شناسی / نویسنده بقراطی. - تهران:
نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۳.
۳۲۰ ص.

ISBN 964-7768-35-4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. جاز. الف. عنوان.

۷۸۱/۶۵

۲ ک ۷ ب / ۱۳۶۶ م

۸۳-۳۵۱۳۵ م

کتابخانه ملی ایران



کتاب جاز (پیدایش و سبک شناسی)

نویسنده: نبوشا بقراطی

طراح جلد: سیامک پورجبار

لینوگرافی: کوثر

چاپ و صحافی: امکان

چاپ اول: ۱۳۸۴

تعداد: ۱۰۰۰

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۱۳۸

تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

شابک 964-7768-35-4 ۹۶۲-۷۷۶۸-۳۵-۲ ISBN

کتاب جاز

پیدایش و سبک شناسی

نویسنده: نیوشا بقراطی

فهرست مطالب

یادداشت ناشر.....	نه
پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۳

فصل ۱. پیدایش و شکل‌گیری «جاز»

بخش اول. ریشه‌ها.....	۱۱
بخش دوم. قوانین بردگی.....	۲۳
بخش سوم. تکوین جاز اولیه.....	۳۷
بخش چهارم. پیشگامان.....	۵۹
بخش پنجم. فراگیر شدن جاز.....	۷۷

فصل ۲. سبک‌شناسی جاز

بخش اول. نگاهی گذرا به تاریخ جاز.....	۱۱۱
بخش دوم. «جز آوازی» (Vocal Jazz).....	۱۲۱
بخش سوم. «رگتایم» (RagTime).....	۱۳۵
بخش چهارم. «نیو اورلئان جز» (New Orleans Jazz).....	۱۳۹
بخش پنجم. «کلاسیک جز» (Classic Jazz).....	۱۴۷
بخش ششم. «تقاطع جز - بلوز» (Jazz / blues Crossover).....	۱۵۷
بخش هفتم. «پیانو بلوز» (Piano blues).....	۱۶۳
بخش هشتم. «سویینگ و دوران بیگ بند» (Swing and Big Band Era).....	۱۶۹

۱۷۹	بخش نهم. «جنش بی باپ» (Bebop Evolution)
۱۸۷	بخش دهم. «احیای دیکسیلند و شیکاگو جز»
۱۹۷	بخش یازدهم. «مین استریم جز» (Mainstream Jazz)
۲۰۳	بخش دوازدهم. «جامپ بلوز» (Jump blues)
۲۱۱	بخش سیزدهم. «کول جز» (Cool Jazz)
۲۲۱	بخش چهاردهم. «هارد باپ» (Hard Bop)
۲۲۹	بخش پانزدهم. «سول جز» (Soul Jazz)
۲۳۵	بخش شانزدهم. «جریان سوم» (Third Stream)
۲۴۳	بخش هفدهم. «جز آزاد» (Free Jazz)
۲۵۹	بخش هجدهم. «جز تلفیقی (جز - راک)» (Fusion-Jazz Rock)
۲۶۷	بخش نوزدهم. «اسید جز» (Acid Jazz)
۲۷۱	بخش بیستم. «جز - رپ» (Jazz - Rap)
۲۷۵	بخش بیست و یکم. «جز برزیلی - (بوسانووا)» (Bossanova)
۲۸۱	بخش بیست و دوم. «لاتین جز» (Latin Jazz)
۲۸۵	بخش بیست و سوم. جداول راهنما
۳۰۵	فرهنگ اصطلاحات موسیقی کتاب
۳۰۹	منابع و مآخذ
۳۱۱	عکس
۳۲۱	نمایه

یادداشت ناشر

تعامل فرهنگی‌ای که طی سال‌های اخیر بستر ساز جریان انبوهی از بار هنری بین اقوام و فرهنگ‌های مختلف در سطح جهانی شده، انجام حرکتی بنیادین را مبنی بر مطالعه و معرفی جریان‌های جدید هنری در کشور ایران ضروری می‌سازد. جامعه ایران از دیرباز با برخورداری از استعداد و قریحه ذاتی در هنر، بستر پیدایش اقسام فرهنگی مختلف و همچنین پذیرای سبک‌های گوناگون هنری بوده است؛ موسیقی هنری است که ارتباط انسانی و اجتماعی را بی‌واسطه ممکن می‌نماید و فراتر از نژاد، جنسیت، قومیت و زبان است.

در طول چند سال گذشته، جامعه ایران و خصوصاً قشر جوان آن با برگزاری کنسرت‌های موسیقی کلاسیک، جاز، راک و غیره و همچنین در دسترس قرار گرفتن آلبوم‌های جدید موسیقی بیش از پیش در مسیر جریان‌های موسیقی جهانی قرار گرفته است. این برخورد فرهنگی بدون شک نیازمند آگاهی و آشنایی است تا این تماس دیر یافته و بکر، در مسیر علمی و صحیح خود صورت گیرد.

از اولین کتاب‌هایی که نشر و پژوهش شیرازه در برنامه نشر خود از اوایل فعالیت‌اش در نظر داشت، کتابی در زمینه فرهنگ موسیقی ایران بود که تا به امروز میسر نگشت اما تدارک و تدوین مجموعه موسیقی پس از سال‌ها وقفه با کتاب حاضر محقق می‌گردد.

موسیقی جاز یک موسیقی پایه است و در جایگاهی مشابه موسیقی کلاسیک قرار دارد. این موسیقی عناصر بنیادین خود را از موسیقی مهاجران گرفته و در دوره خاصی آوای رهایی بوده است. شکل‌گیری موسیقی جاز از اولین حرکت‌های ضد برده‌داری برای کسب هویت فرهنگی بوده و از این حیث که هیچ‌گونه عامل تأثیرگذار و الگویی نداشته از اصالت برخوردار است. ساختار موسیقی جاز ظرفیت تلفیقی بالایی دارد و ویژگی بداهه نوازی آن سبب خلاقیت‌های زیادی در ریتم‌های موجود در این سبک موسیقی شده است.

کتاب جاز، نخستین اثر از سری کتاب‌هایی است که با هدف معرفی تاریخی و با رویکرد تحقیقی و آکادمیک از سبک‌های موسیقی جهانی و تحت مجموعه جدیدی با عنوان تاریخ موسیقی انتشار می‌یابد. هدف از انتشار مجموعه تاریخ موسیقی دستیابی به آگاهی دقیق از خاستگاه اجتماعی و فرهنگی موسیقی‌های مختلف و درک سویه‌های واقعی از این مقوله است.

توضیح مؤلف:

موسیقی JAZZ که تلفظ اصیل آن در سایر زبان‌ها جَزْ به فتحه اوّل و سکون آخر است، طی چند دهه پیش در ایران وارد فرهنگ لغات موسیقی شده و با تلفظ فارسی جاز خوانده شده است. در این مورد که واژه جاز را در این کتاب «جَزْ» بکار ببریم، بحث طولانی‌ای مطرح شد و نظرات متفاوت ما را برآن داشت که با صاحب نظران موسیقی و کارشناسان فرهنگستان مشاوره کنیم. هر چند اخیراً کاربرد تلفظ «جَزْ» نزد کارشناسان موسیقی متداول‌تر شده اما بنا بر صلاحدید و توصیه ناشر مبنی بر رعایت ساختار زبانی و نیز پوشش مخاطب بیشتر، از این اصطلاح در کاربرد آن به طور منفرد بر طبق روال رایج، به عنوان جاز نام برده می‌شود؛ مگر در ترکیب آن با اصطلاحات دیگر همچون کول جَزْ، آوانگارد جَزْ و سایر آن.

پیشگفتار

سبک موسیقی «جاز» به عنوان عضوی از بدنه تاریخی هنر و خصوصاً هنر موسیقی، خوشبختانه در ایران ناآشنا نیست. گروه‌هایی که در نیمه اول دهه پنجاه شمسی در ایران به اجرای برنامه پرداختند، دوشادوش موسیقی کلاسیک غربی در شناساندن «جاز» به ایرانی‌ها تأثیر گذاشتند. برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز به سهم خود در تبلیغ و حمایت «جاز» در حد جامعه ایران آن زمان نقش داشتند. چیزی در این میان گم بسود و آن نبود مرجع رسمی تدریس و کرسی آموزش «جاز» در آکادمی‌های موسیقی و مراکز تحصیل عالیّه بود که باعث شد این ژانر همچنان تا زمان حاضر در مملکت ما مهجور بماند. قصّه دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نیز حکایت از ناشناس ماندن کامل «جاز» در اذهان نسل‌های جدید پس از انقلاب دارد. خوشبختانه در اوایل دهه ۸۰، با ورود رسمی سی‌دی‌های «جاز» و روی آوردن علاقمندان به آن و سفرهای چند گروه غربی و اجرای برنامه‌های مختلف، جامعه ما با این پدیده از نزدیک آشنا شد و طالب مطالعه دقیق‌تر در مورد این موسیقی پیچیده گردید.

بنابراین و در پی آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که برای پیشرفت بعدی موسیقی «جاز» در ایران نیاز مبرمی به آموزش وجود دارد. یعنی یک سیستم آموزشی مُسلم از تدریس هارمونی، تاریخ، ریتم، سازشناسی، نقد و ترکیب بدنه بداهه‌نوازی «جاز» و تلاش برای ایجاد گروه‌های تدریس «جاز» در دانشگاه‌های ایران منجر به گشایش بعدی این

پدیده در ایران می‌گردد و تحولات بعدی موسیقی ایران از تعامل ناشی از «جاز» به مانند سایر کشورها در برخورد با این پدیده اساسی و عمقی خواهد بود.

سنتی نوازان خوش قریحه مان بهتر است گوشه چشمی به «جاز» و «بلوز» نشان دهند و تجربه کنند، کلاسیست‌ها در حوزه «مُدال» و یا «آزاد» این ژانر به رنگ‌ها و چشم‌اندازهای نوینی در موسیقی خود خواهند رسید، فلامنکونوازان ایرانی در ترکیب با سنت ایرانی و اسپانول و «جاز» به مفاهیم والاتر و عروجی بیشتری دست می‌یابند. همچنین این موارد برای موسیقی نوازان سبک‌های دیگر نیز ساری و جاری است و به نظر می‌رسد موسیقی ما با توسل بی‌تعصب و علمی به «جاز» به حوزه جهانی و مطلوب موسیقی و به فراخور گستردگی استعدادها دست خواهد یافت.

کیوان میرهادی

مقدمه

به حتم در میان تمامی قرونی که بر بشر و سیطره‌اش بر خلق هنری گذشته، هیچ دوره‌ای همچون قرنی که رفت، حاوی معانی پربار و تحولات پایه‌ای و انقلاب‌های فرهنگی پرنقش نبوده است. قرن بیستم، سده انتزاع در نقاشی، نمایش، معماری، شعر، ادبیات و موسیقی است. قرنی که عصاره شش هنریشین در گذرش، آفرینش نوع هفتم را رقم زد؛ بازه باروری که در گاهواره‌اش خلقت، رنگ ایجاز، ایهام و پویایی افزون به خود گرفت. قرنی که با فرارسیدنش جنین مدرنیته، پرورده در زهدان تاریخ، اسقاط رأس یافت؛ تمامی معانی و فرم‌ها، صورت درون نگری اختیار نمودند و مایه‌های ایماژ در صور گوناگون به سوی جوهره مشترک حرکت کردند. و در جمع یکایک شاخه‌های هنری به نوعی از ساختارشکنی گرویدند.

موسیقی نیز به موازات دیگر اشکال هنری و به عنوان درونی‌ترین فرم انتزاع، در این قرن چه از لحاظ دگرگونی در فرم و چه از نقطه نظر زایش شیوه‌ها بستر تحولات متعددی واقع گشت؛ فرم‌های فولکلوریک و عامیانه نواحی که تا آن روز، منحصرأ در محدوده‌های مردمی جاری، و بقای آن مشروط به میراث داری و نقل سینه به سینه بود، مبدل به ژانر یا سبک‌های جدی‌تر و جهانی موسیقی شده و هر یک ساختار خاص و علمی مدونی یافتند. ژانر یا نوع‌های عامیانه‌ای همچون «بلوز»، «کانتري»، «گاسپل» و غیره در کنار «پاپ» زمینه حضور و تماس بیش از پیش

توده‌های مردمی را با موسیقی فراهم آوردند و بعدها، موسیقی «راک» حتی قدم فراتر نهاد و زمینه‌ساز تحولات جدی فرهنگی - اجتماعی گشت. موسیقی «کلاسیک» اروپایی نیز که سال‌های طولانی، یگانه‌تاز قلمرو موسیقی هنری و علمی محسوب می‌شد، شاهد انقلاب‌های زیربنایی بسیار گشت؛ پیدایش سیستم دوازده نُتی، بدعت آتونال، ظهور مدرنیسم و پست مدرنیسم، و نهایتاً مینیمالیسم، چهره «کلاسیک» را به شکل عمیقی متحول نمود و افق‌های جدیدی را در این موسیقی نمایان ساخت. فرم‌ها و تم‌های شرقی، همینطور سازبندی آنها برای نخستین بار در همین قرن، مورد توجه قرار گرفت و به عنوان ژانرهای (سبک‌های) جدی، قابل تعمق و بین‌المللی موسیقایی بدان نگرسته شد.

در این میان، به یقین یکی از بزرگ‌ترین و رنگین‌ترین میراث‌های قرن بیستم برای هنر و موسیقی، نوع موزیک «جاز» (Jazz) است؛ موزیکی که از یک سو پیوندی عمیق با فضاها و مردمی دارد و از سوی دیگر به صورت کاملاً علمی و ریاضی وار به موازات موسیقی «کلاسیک» اروپا، عنان موسیقی هنری (در تقابل با «پاپ») را در دست گرفت.

«جاز» امروز نیز همچون دیگر مولودان سده پیش، میراث‌دار ریشه‌هایی عمیق می‌باشد. ریشه‌هایی گسترده در چهار قاره، ریشه‌هایی که در بدویت قبیله‌ای آفریقا از دیرباز وجود داشت، از موسیقی اروپا وام گرفت. و به همراه مهاجران و عموماً بردگانی غرق در امید و هم‌آلود بهشت زمینی به آمریکا راه یافت. با تأثیر تردیدناپذیر عوامل جغرافیایی و اجتماعی جدید قاره نو، جانی دوباره و صورتی تازه و بی‌بدیل یافت، «جاز» نام گرفت و اکنون نیز در دهه‌های اخیر تحت عنوان موسیقی تلفیقی جهانی به اعماق موسیقی آسیا نقب زده است. جهانی بودن منشأ، مردمی بودن مبدأ، گستردگی زمینه، انعطاف‌پذیری ساختار و استعداد علمی، به این سبک به راحتی اجازه داده است تا به حق، موسیقی قرن بیستم لقب گیرد.

تلاش منتقدان و متخصصان موسیقی برای ارائه تعریف موجز و واحدی از موزیک «جاز» همانند دیگر مفاهیم هنری، همواره با شکست مواجه شده و همچنین است سعی در تمایز آن از سایر سبک‌های موسیقی مشابه با تکیه بر خصایصی همچون بداهه نوازی؛ چرا که «جاز»، اگرچه خصیصه مذکور از ژرف‌ترین زیر بناهای آن به شمار می‌آید، شامل کلیتی است که امکان توضیح آن با تاکید بر صرفاً یک زمینه خاص میسر نمی‌باشد.

اکثر اقدام‌هایی که برای توضیح پایه‌ای «جاز» و کشف ریشه‌های آن صورت گرفته، پیوند موسیقی آفریقا و عناصر موسیقی اروپایی را مبدأ حرکت قرار داده است؛ بدین شرح که عصاره موسیقی قبیله‌ای غرب آفریقا، همراه با بردگان و سوار بر کشتی به قاره نو انتقال یافت، و آنجا با وامگیری از عناصر موسیقی اروپایی منجر به شکل‌گیری «جاز» گشت. اما این تعریف، چیزی بیش از یک سهل‌انگاری نخواهد بود. همانطور که اروپاییان با فرهنگ پیشینیان خود به آمریکا سفر کردند و پس از استقرار در دنیای نو، با فرهنگ خاص خود و متفاوت از فرهنگ اروپایی دیگر آمریکایی محسوب می‌شدند؛ همانطور که سیاهان به آمریکا برده شدند و دیگر بردگان آمریکایی بودند نه قبیله‌نشینان آفریقایی، «جاز» نیز با کشتی از دو قاره دیگر به آمریکا برده نشد، بلکه در ینگه دنیا زاده شد، شکل گرفت و ساختار یافت؛ و این نبود مگر با دخالت شرایط کاملاً جدید فرهنگی - اجتماعی.

پراکندگی شدید فرهنگی در غرب آفریقا، خود مؤید این نکته است که موسیقی واحدی از آن دیار به آمریکا منتقل نشده، بلکه این ضرب آهنگ و ریتم‌های موسیقی قبیله‌ای بود که به عنوان میراث قاره سیاهان، اساس اولیه «جاز» را فراهم نمود. حتی موسیقی اولیه بردگان سیاه آمریکایی مانند ترانه "Trouble So Hard" (حفظ شده در کتابخانه ملی

«کانگرس»^۱) نیز نوعی از موسیقی است که در مزرعه‌ها موقع برداشت خوانده می‌شد که مشخصاً نه اروپایی به حساب می‌آید و نه آفریقایی، بلکه نشانگر گونه‌ای از موسیقی بومی آمریکایی است که اساساً در شرایط نوین و متفاوت ایالات متحده آمریکا زاده شده است.

هارمونی که از اساسی‌ترین اجزای موسیقی اروپایی به شمار می‌رفت، آخرین عنصری بود که توسط «جاز» جذب شد. آکوردها در «جاز» بیشتر به صورت مجزا و منفرد به کار می‌رفتند تا عاملی باشد برای انتقال نوعی تأثیر احساسی آنی و از این لحاظ با خاصیت تسلسلی و حرکت تصاعدی هارمونی تونال در موسیقی اروپایی در تضاد بود.

نخستین تماس قطعی سیاهان را با هارمونی می‌توان در سرودهای مزرعه‌ای و تحت تأثیر موسیقی «گاسپل»^۲ (نوعی سرودخوانی دسته‌جمعی با ریشه‌های مذهبی) جستجو کرد. با گذشت سال‌ها و اضافه شدن گیتار و بانجوبه سازبندی این گروه‌ها، موسیقی مذکور شکل تازه‌تر و ابداعی‌تری به خود گرفت و در قرن نوزدهم میلادی با جایگزینی سازهای بادی - برنجی در قالب موسیقی مارش، به جای سازبندی قدیمی، موسیقی آمریکا هرچه بیشتر به آنچه امروز با شنیدن نام «جاز» در ذهن تداعی می‌گردد، نزدیک گشت. گونه‌گونی و گستردگی منابع به این شیوه موسیقی امکان آن را داد تا روزبه‌روز توسعه و تکامل بیشتری یابد تا تبدیل به غنی‌ترین موسیقی محلی و عامیانه تاریخ گردد.

از اواخر قرن نوزدهم «جاز» به تدریج صورت شناخته شده خود را یافت و از آن پس هم‌چون یک مام بارور، مولد سبک‌ها و شیوه‌های متفاوت موسیقایی گشت. تداوم و تکامل «جاز» در طول حدود سه قرن و جهانی شدن بی‌بدیل آن در قرن بیستم، خود به تنهایی مؤید پرباری و غنای این موسیقی است. اکنون در قرن بیست و یکم نیز تمامی سبک‌های

1. Library of Congress

2. Gospel

«جاز» با همراهی عامل خاطره‌انگیزی و نوستالژی جهانی و در سایه ساختارهای موسیقایی قدرتمند و در عین حال قابل انعطاف، زنده مانده و به یقین نیز جای خود را در جایگاه‌های رفیع هنری حفظ خواهد نمود؛ چرا که حیات یک نوع هنری بیش از هر چیز مستلزم وجود چند ویژگی است: تفکرپذیری، جمودگریزی، فضاسازی قوی، قدرت خلاق و زیباشناختی انتزاعی، در یک کلام جوهره نهادین هنر. و «جاز» بی‌چون و چرا در زمره شیوه‌های هنری واقع می‌شود که حاوی تمامی این مؤلفه‌ها می‌باشد و شاید هم بیشتر...

این کتاب که در تألیف آن از منابع معتبر و اصیل موسیقی و «جاز» بهره برده شده، در دو فصل کلی تحت عناوین پیدایش و شکل‌گیری «جاز» و سبک‌شناسی «جاز» تهیه گشته است. فصل اول طی پنج بخش سعی در تعقیب پویش «جاز» از نخستین ریشه‌های موسیقایی - اجتماعی تا فراگیر شدن آن به عنوان یک سبک پذیرفته شده در موسیقی دارد و فصل دوم به توضیح زمان‌بندی شده ژانرهای این موسیقی در قرن بیستم و هر یک طی بخشی مجزا با عنوان همان سبک می‌پردازد.

در انتها لازم است از استاد محترم آقای کیوان میرهادی که با محبت و توجه بی‌دریغ در تصحیح نهایی کتاب حاضر مرا از دانش خود بهره‌مند نمود تشکر و قدردانی نمایم.

نیوشا بقراطی